

مطالعه تطبیقی رجوع از ایجاب در نظام حقوقی افغانستان، ترکیه و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (CISG)

سید عباس موسوی^۱*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۸

چکیده

در تمام نظام‌های حقوقی برای تشکیل عقد حداقل وجود دو اراده انشائی متقابل و متناسب به هم لازم است که در اصطلاح حقوق به آن‌ها ایجاب و قبول می‌گویند. به اولین بیان اراده در جهت انعقاد عقد ایجاب گفته می‌شود. در حالت انعقاد عقد بشکل غیر حضوری، بین زمان ایجاب موجب و رسیدن آن به مخاطب، قبولی طرف مقابل و انعقاد عقد مدت‌زمانی نسبتاً طولانی سپری می‌شود. در چنین حالتی آیا امکان رجوع از ایجاب وجود دارد یا خیر؟ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در ماده ۱۵ و ۱۶ خود موضوع رجوع از ایجاب را به صورت قاعد مطرح نموده است. به این معنی که از مواد ۱۴ و ۱۵ این کنوانسیون می‌توان به این نتیجه رسید که ایجاب اصولاً عمل حقوقی قابل رجوع می‌باشد. نظام حقوقی ترکیه نیز در ماده ۱۰ قانون تعهدات مصوب ۲۰۱۳ خود در مورد رجوع از ایجاب با اندکی تفاوت از کنوانسیون اصل را بر قابل رجوع بودن ایجاب دانسته است. با توجه به اینکه افغانستان عضویت کنوانسیون فوق را به دست نیاورده است لذا در مورد رجوع از ایجاب نظریه متفاوت از کنوانسیون و نظام حقوقی ترکیه را پذیرفته است. قانون مدنی افغانستان در ماده ۵۱۶ خود ایجاب را اصولاً عمل حقوقی غیرقابل رجوع میدانند. این نوشته به بررسی رجوع از ایجاب در نظام حقوقی افغانستان و ترکیه در روشنایی کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا می‌پردازد.

واژگان کلیدی: ایجاب، ابطال ایجاب، انصراف از ایجاب، رجوع از ایجاب، کنوانسیون بیع بین‌المللی

کالا.

۱- استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه البیرونی و دانشجوی مقطع دکترا در دانشگاه آنادولو، استان اسکی شهیر کشور



مقدمه:

قبل از ورود به بحث ایجاب، شرایط، احکام و رجوع از آن لازم است تا معلومات کلی را جمع به کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ارایه گردد. کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا که برای حل اختلافات ناشی از قراردادهای بیع بین‌المللی بوجود آمده است، ابتدا توسط کمیسیون حقوق تجارت سازمان ملل متحد طرح و به تاریخ ۱۱ آوریل سال ۱۹۸۰ در شهر ویانای اتریش (akhmetov2014:1) در نتیجه‌ای یک اجلاس دیپلماتیک توسط نمایندگان ۴۲ کشور مورد قبول قرار گرفته و به تاریخ ۱ فوریه ۱۹۸۸ قابل اجرا شد (Ener, 2013: 16). کنوانسیون از یک مقدمه، چهار بخش و ۱۰۱ ماده تشکیل شده است (akhmetov2014:1). بخش دوم این کنوانسیون که شامل مواد ۱۴-۲۴ می‌باشد، متشکل از ۱۱ ماده بوده که در مورد ایجاب، قبول و زمان انعقاد عقد می‌باشد (Ener, 2013: 60). برخلاف کشور افغانستان که هنوز این کنوانسیون را نپذیرفته است، کشور ترکیه آن را بدون قید و شرط قبول و به تاریخ ۲۰۱۱/۸/۱ در حقوق داخلی آن لازم‌الاجرا گردیده است (Ener, 2013: 16).

۱- ایجاب

اولین بیان اراده در جهت ایجاد نتیجه حقوقی را ایجاب می‌گویند (Esener; Gündoğdu, 2017: 4۳). پس ایجاب عبارت از پیشنهاد در جهت انعقاد عقد می‌باشد. از لحاظ زمانی نیز اولین پیشنهاد در جهت انعقاد عقد است (Kayıhan, 2018: 94) که از سوی هر یک از طرفین شده می‌تواند (رفیعی مقدم، ۱۳۷۸: ۴). لذا در مورد تشخیص ایجاب از قبول بدون در نظر گرفتن صفت خریدار و یا فروشنده بودن طرفین عقد، به بیان اراده طرفین از لحاظ زمانی توجه می‌شود (گلین مقدم عیسی، ۱۳۹۱: ۴). در نتیجه اولین بیان اراده در جهت انعقاد عقد وصف ایجاب را دارد خواه از سوی فروشنده صورت گرفته باشد یا خریدار (Kocayusufpaşaoğlu, 2017: 180). ایجاب در عین حالی که دارای ماهیت عمل حقوقی یک‌جانبه است و برای ایجاد اثر حقوقی باید به طرف مقابل برسد، عمل حقوقی التزامی نیز می‌باشد (گلین مقدم عیسی، ۱۳۹۳: ۱۷۳: ۶) (Kocayusufpaşaoğlu, 2017: 173).

در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا نیز به اولین بیان اراده در جهت انعقاد ایجاب گفته می‌شود و بیان‌کننده‌ای این اولین اراده راه ایجاب‌کننده می‌گویند (Annaseidov, ۲۰۱۸: ۴). در کنوانسیون در مرحله مذاکره عقد (مرحله ابتدایی) از سه اصطلاح متفاوت چون؛ پیشنهاد، دعوت به ایجاب و ایجاب کار گرفته شده است (طالب احمدی، ۱۳۹۵: ۳). بیان اراده در جهت تشکیل عقد را پیشنهاد (proposal) یاد می‌کند که در



حقوق ترکیه به این نوع از بیان اراده (Teklif) گفته می‌شود (Akhmetov, ۲۰۱۴: ۲۲). بر اساس حکم بخش اول فقره ۱ ماده ۱۴ کنوانسیون که چنین صراحت دارد "پیشنهاد انعقاد قرارداد به یک یا چند فرد معین چنانچه به اندازه کافی مشخص و دال بر قصد التزام ایجاب‌کننده در صورت قبول طرف مقابل باشد ایجاب محسوب است..." برای اینکه یک بیان اراده ایجاب (offer) محسوب شود، وجود شرایط معین در بیان اراده الزامی است. پس برای اینکه یک بیان اراده وصف ایجاب را پیدا نماید، باید در آن شرایط تعیین شده در ماده فوق موجود باشد (Ener, 2013: 78) در غیر آن دعوت به ایجاب (invitation to make offers) می‌باشد نه ایجاب (گلین مقدم عیسی، ۱۳۹۱: ۵).

در نظام حقوقی ترکیه با اینکه اصطلاح ایجاب (icap) که در قانون تعهدات قبلی وجود داشت در قانون تعهدات جدید به اصطلاح (öneri) تبدیل شد (Antalya, 2018: 238) اما تعریفی از ایجاب ننموده است. ماده سوم قانون تعهدات ترکیه بدون اینکه تعریف از ایجاب ارائه نماید، اقدام به دسته‌بندی ایجاب به مدت دار و بدون مدت نموده است (Gömüş, 2019: 276).

در قانون مدنی افغانستان نیز تعریف واضح و مستقل از ایجاب صورت نگرفته است. فقره دوم ماده ۴۰۶ این قانون در مورد ایجاب چنین صراحت دارد "ایجاب و قبول عبارت است از الفاظیکه در عرف برای انشاء عقد استعمال می‌گردد".

چنانچه ذکر گردید؛ برای اینکه بیان اراده وصف ایجاب را داشته باشد لازم است تا حائز شرایط باشد (طالب احمدی، ۱۳۹۵: ۴). با توجه به اینکه در هر نظام حقوقی برای ایجاب شرایط متفاوت وجود دارد (Ener, 2013: 68)؛ در این بخش به بررسی شرایط ایجاب در هر دو نظام حقوقی در روشنایی کنوانسیون پرداخته می‌شود. شرایط کلی و الزامی پیش‌بینی شده در کنوانسیون که در هر دو نظام حقوقی نیز مطرح می‌باشد.

۲- عناصر ایجاب

در مورد شرایط ایجاب، کنوانسیون در بخش اول فقره ۱ ماده ۱۴ خود حداقل عناصر یک ایجاب را بیان داشته است (Annaseidov, ۲۰۱۸: ۵). این فقره صراحت دارد که "پیشنهاد انعقاد قرارداد به یک یا چند فرد معین چنانچه به اندازه کافی مشخص و دال بر قصد التزام ایجاب‌کننده در صورت قبول طرف مقابل باشد ایجاب محسوب است..." با توجه به متن فوق؛ برای اینکه پیشنهاد ایجاب قبول شود حداقل باید دو عنصر در آن وجود داشته باشد (Akhmetov, ۲۰۱۴: ۲۴). در نظام حقوقی ترکیه (Kocayusufpaşaoğlu 2017:)



(۱۸۰) و افغانستان نیز همانندی کنوانسیون برای اینکه بیان اراده به‌عنوان ایجاب قبول شود، حداقل وجود دو شرط لازم است (طالب احمدی، ۱۳۹۵: ۵: 250: Antalya, 2018). این شرایط شامل وجود قصد التزام در بیان اراده و به‌اندازه لازم قطعی بودن آن است (اصغری آقمشهدی؛ کاویار، ۱۳۹۵: ۶).

(۱) قطعی بودن ایجاب

برای اینکه پیشنهاد انعقاد عقد یک‌طرف به‌عنوان ایجاب مورد پذیرش قرار گیرد، باید طوری بیان شود که صرف با قبولی طرف مقابل منعقد شده بتواند (Annaseidov, 2018: 5). به این معنی که ایجاب باید تمام عناصر مربوط به عقد را شامل باشد تا با بیان قبولی طرف مقابل عقد واقع گردد (Ener, 2013: 70). بر اساس کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا برای اینکه یک ایجاب به‌اندازه لازم قطعی و معین باشد، اجتماع سه عنصر لازم می‌باشد (Akhmetov, 2014: 38). قسمت اخیر فقره دوم ماده ۱۴ کنوانسیون در زمینه چنین صراحت دارد "... پیشنهاد در صورتی به‌اندازه کافی مشخص است که کالا را مشخص نموده و به نحو صریح یا ضمنی مقدار کالا و ثمن را معین یا ضوابطی جهت تعیین آن دو مقرر نماید." آنچه به نظر می‌رسد عنصر قطعی بودن ایجاب در فقره فوق جنبه تمثلی داشته باشد نه حصر؛ زیرا اموری چون ایفا؛ زمان تسلیم، مکان تسلیم و غیره در بعضی از عقود از جمله عناصر اساسی محسوب شده و عدم وجود آن مانع قطعی بودن می‌گردد (Ener, 2013: 71). از این رو عناصر اساسی که باید در ایجاب موجود باشد، در هر عقد متفاوت است (Esener; Gündoğdu, 2017: 49). در نتیجه برای دانستن قطعی بودن ایجاب، ایجاب هر عقد را باید به‌طور جداگانه مورد بررسی قرارداد (اصغری آقمشهدی؛ کاویار، ۱۳۹۵: ۶).

قانون مدنی افغانستان در ماده ۵۲۱ خود در مورد قطعی بودن ایجاب، وجود عناصر اساسی عقد را در ایجاب تصریح نموده است؛ اما در مورد اینکه عناصر اساسی عقود کدام‌ها اند، ذکر به عمل نیامده است. لذا برای فهمیدن اینکه عناصر اساسی عقود کدام‌ها اند، باید در مورد هر عقد به‌طور جداگانه به قانون مراجعه صورت گیرد (باجلان؛ شرعی، ۲۰۱۹: ۵)؛ اما می‌تواند مانند کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، حداقل عنصر اساسی عقد بیع را مال و ثمن دانست (طالب احمدی، ۱۳۹۵: ۷).

(۲) قصد التزام ایجاب‌کننده

یکی از عناصر اساسی ایجاب وجود قصد التزام ایجاب‌کننده در ایجاب است (اصغری آقمشهدی؛ کاویار، ۱۳۹۵: ۳۳). به این معنی که ایجاب باید به‌اندازه جدی و واقعی باشد که بایان قبولی طرف مقابل، عقد واقع شده بتواند (طالب احمدی، ۱۳۹۵: ۷). منظور از التزام ایجاب‌کننده به ایجاب این است که ایجاب‌کننده به‌طور



واقعی و به صورت قطعی قصد انعقاد عقد را داشته و بعد از بیان ایجاب و رسیدن قبولی طرف در زمان تعیین شده به خودش، مانع انعقاد عقد شده نتواند (Kocayusufpaşaoğlu, 2017: 195). لازم به ذکر است که بر اساس بند سه فقره دوم ماده ۱۸ کنوانسیون، اگر قبولی در زمان خودش به موجب نرسد و یا در حالت رد ایجاب (ماده ۱۷)، التزام ایجاب از بین رفته و موجب نسبت به ایجاب خود ملتزم نمی‌باشد. لذا بعد از مدت‌زمان التزام ایجاب، ایجاب اثر حقوقی نداشته و با قبول طرف مقابل عقد واقع شده نمی‌تواند (Akhmetov, ۲۰۱۴: ۳۰). همچنان اگر در پیشنهاد انعقاد عقد، پیشنهادکننده عدم التزام به بیان اراده خود را ذکر نموده باشد، باز هم این پیشنهاد انعقاد عقد ایجاب قلمداد شده نمی‌تواند. در نتیجه؛ باینکه در کنوانسیون بر قطعی بودن اراده موجب به انعقاد عقد تأکید شده است اما اهمیت شرط التزام در ایجاب به مراتب بیشتر قابل مشاهده تر است (طالب احمدی، ۱۳۹۵: ۵). لذا شرط قطعی بودن ایجاب را در داخل قلمرو شرط التزامی بودن باید بررسی نمود؛ زیرا هر پیشنهاد قطعی به معنی التزامی بودن آن نیست. در نتیجه امکان دارد یک پیشنهاد به اندازه لازم قطعی، جدی و معین باشد اما در آن عنصر التزام پیشنهادکننده وجود نداشته باشد. این چنین بیان اراده به عنوان دعوت به ایجاب قابل بررسی است؛ اما در بسیار از حالات قطعی بودن بیان اراده قرینه بر التزامی بودن آن نیز قبول گردیده است (Akhmetov, ۲۰۱۴: ۴۷).

در نظام حقوقی ترکیه نیز عنصر التزام (bağlanma iradesi) به عنوان یکی از عناصر ایجاب پیش‌بینی شده است. در این نظام حقوقی هر پیشنهاد که شرط قطعی بودن ایجاب را داشته باشد قاعده تا عنصر التزام را نیز دارا می‌باشد. مگر اینکه عدم التزام را پیشنهادکننده صریحاً بیان داشته باشد (Esener; Gündoğdu, 2017: 56) قانون تعهدات این کشور در فقره ۱ ماده ۸ خود در زمینه چنین صراحت دارد "ایجاب زمانی نسب به موجب التزامی نیست که یا به عدم التزامش تصریح نموده باشد و یا اینکه وصف کار و یا وضعیت ایجاب عدم التزام اراده موجب را نشان دهد". با توجه به فقره فوق؛ اگر وضعیت موجود و یا وصف کار نشان‌دهنده عدم التزام موجب به اراده بیان کرده‌اش باشد و یا اینکه شخصاً از حق عدم التزامی بودن ایجابش استفاده کرده و صریحاً غیر التزامی بودن پیشنهادش را بیان نموده باشد، بیان‌کننده اراده به چنین به حفظ چنین اراده ملزم نمی‌باشد (Kayhan, 2018: 99).

در نظام حقوقی افغانستان نیز عنصر التزامی بودن ایجاب به صراحت پذیرفته شده است. هر پیشنهاد که دارای شرط قطعی بودن باشد اصولاً عنصر التزام نیز دارد مگر در حالات استثنایی. قانون مدنی افغانستان در ماده ۵۱۴ خود در زمینه چنین صراحت دارد "هر شخص به سبب ایجاب خود ملزم قرار می‌گیرد، مگر اینکه بعدم الزام خود تصریح نموده یا از قراین ظاهری و یا طبیعت معامله چنان معلوم گردد که در ایجاب قصد



الزام وجود نداشته باشد". لذا بر اساس ماده فوق؛ جز در حالات استثنایی چون؛ تصریح به عدم التزام به ایجاب، قراین ظاهری و طبیعت معامله که نشان‌دهنده قصد عدم التزام به بیان اراده است؛ هر پیشنهاد انعقاد عقد دارای عنصر التزام می‌باشد (باجلان؛ شرعی، ۲۰۱۹: ۶).

با توجه به توضیحات فوق؛ هم در کنوانسیون و هم در نظام حقوقی ترکیه و افغانستان ایجاب برای موجب دارای وصف التزامی است و تا زمان رد یا قبولی ایجاب، ایجاب‌کننده مانع انعقاد عقد شده نمی‌تواند (Kayihan, 2018: 97). قبل از اینکه در مورد مدت‌زمان التزام ایجاب پرداخته شود، لازم است تا زمان ایجاد اثر حقوقی ایجاب مورد بررسی قرار گیرد.

۳- زمان ایجاد اثر حقوقی در ایجاب

در مورد زمان ایجاد اثر حقوقی ایجاب در نظام‌های حقوقی مختلف نظریات متفاوت وجود دارد. در بعضی از کشورها زمان ایجاد اثر حقوقی ایجاب اصولاً زمان آگاهی مخاطب از ایجاب است و در بعضی هم زمان رسیدن ایجاب به طرف مقابل است (اسماعیلی، ۱۳۷۷: ۸). کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (اصغری آقمشهدی؛ کاویار، ۱۳۹۵: ۶) و به تبع آن قانون تعهدات ترکیه در این موضوع از نظریه دومی پیروی نموده است (Kayihan, 2018: 97). بر اساس فقره اول ماده ۱۵ کنوانسیون ایجاب با رسیدن به مخاطب دارای اثر حقوقی می‌باشد (Annaseidov, 2018: 9). این فقره چنین صراحت دارد "ایجاب از زمان وصول توسط مخاطب ایجاب نافذ می‌گردد". در مورد اینکه زمان رسیدن یا وصول ایجاب به مخاطب چه زمانی است ماده ۲۴ کنوانسیون آن را بیان می‌دارد (طالب احمدی، ۱۳۹۵: ۱۰). این ماده در زمینه چنین صراحت دارد "از نظر این فصل از کنوانسیون، ایجاب، اعلام قبول یا سایر انواع بیان اراده هنگام به مخاطب واصل می‌شود که شفاهاً به اطلاع وی رسانده شود، یا به طریق دیگر به شخص او، به محل تجارت یا به نشانی پستی‌اش و چنانچه محل تجارت یا نشانی پستی نداشته باشد به محل اقامت عادی او تحویل گردد". بر اساس ماده فوق می‌تواند گفت در کنوانسیون با توجه به عنصر التزامی بودن ایجاب دو نوع ایجاب پیش‌بینی شده است. یکم؛ ایجاب که هنوز حکم و اثر حقوقی ایجاد نکرده است. در چنین ایجاب بحث التزامی بودن مفهومی نداشته و موجب هر نوع دخل و تصرف در آن انجام داده می‌تواند (اسماعیلی، ۱۳۷۷: ۸). چنین ایجاب بر اساس فقره اول ماده ۱۵ کنوانسیون به دلیل اینکه هنوز به طرف نرسیده و حکم و اثر حقوقی ایجاد نکرده، ایجاب‌کننده توان از میان برداشتن آن را دارا می‌باشد (طالب احمدی، ۱۳۹۵: ۸). دوم؛ ایجاب که حکم و اثر حقوقی برایش مرتب



گردیده است. طبق کنوانسیون، ایجاب از وصول به مخاطب دارای حکم و اثر حقوقی بوده و اصولاً در این نوع از ایجاب بحث رجوع از ایجاب مطرح می‌گردد (اصغری آقمشهدی؛ کاویار، ۱۳۹۵: ۵). در نظام حقوقی افغانستان نظریه آگاهی مخاطب از ایجاب مورد قبول قرار گرفته است. به این معنی که زمان ایجاد حکم و اثر حقوقی ایجاب، زمانی آگاهی مخاطب از ایجاب است. اما وصول را قرینه بر آگاهی پذیرفته است. قانون مدنی افغانستان در زمینه در ماده ۵۱۱ خود چنین صراحت دارد " وقتی بر اظهار اراده آثار مرتب می‌گردد که طرف مقابل به آن علم حاصل نماید. وصول اظهار اراده به طرف مقابل قرینه حصول علم به آن پنداشته می‌شود، مگر اینکه دلیلی برخلاف آن وجود داشته باشد".

با توجه به مطالب فوق؛ برای اینکه یک پیشنهاد به عنوان ایجاب مطرح شود، وجود حداقل دو شرط که شامل، قطعی بودن ایجاب و وجود قصد الزام در نزد موجب می‌باشد، لازم و ضروری است (طالب احمدی، ۱۳۹۵: ۵). در محدوده شرط دوم بحث مدت‌زمان التزام ایجاب مطرح می‌شود. اینکه ایجاب از چه زمانی و برای چه مدتی دارای وصف التزامی است؟ به این معنی که موجب در چه مدتی به ایجاب خود ملتزم بوده و مانع وقوع عقد در آن مدت شده نمی‌تواند؟ برای رسیدن به پاسخ این سؤال لازم است تا مدت‌زمان عنصر التزام ایجاب را در اشکال و انواع مختلف ایجاب به بررسی بگیریم.

۴- مدت‌زمان التزام ایجاب

اصولاً موجب نسبت به ایجاب خود الی بیان اراده صریح یا ضمنی مخاطب ملزم است. به این معنی که موجب در این مدت ایجاب خود را تغییر داده نمی‌تواند و یا مانع وقوع عقد در صورت وجود قبولی طرف مقابل شده نمی‌تواند (Kocayusufpaşaoğlu, 2017: 195). با آن‌هم از آنجاییکه موجب نسبت به ایجاب خود تا ابد ملزم بوده نمی‌تواند، لذا تعیین مدت التزام ایجاب امری مهم و ضروری است. برای تعیین مدت‌زمان الزام آور بودن ایجاب، باید بین اینکه ایجاب بین حاضران صورت گرفته یا غایبین و اینکه در خود ایجاب زمانی برای الزام آوردن بودن آن تعیین شده است یا خیر؟ تفاوت قائل شد (Kayıhan, 2018: ۱۰۰).

۱) ایجاب بین حاضران

از آنجایی که در عقد بین حاضران، موجب و قابل هردو در مجلس واحد قرار دارند، لذا در مورد مدت‌زمان الزام ایجاب بین نظام حقوقی افغانستان، کنوانسیون و به تبع آن نظام حقوقی ترکیه تفاوت وجود ندارد. بر اساس فقره دوم ماده ۱۸ کنوانسیون، در بیان اراده شفاهی به مجرد اینکه ایجاب به مخاطب اظهار



می‌گردد اصول باید فوراً بیان قبول نیز مطرح گردد (Akhmetov, ۲۰۱۴: ۳۶). این فقره در زمینه چنین صراحت دارد "... ایجاب شفاهی باید فوری قبول شود مگر اینکه اوضاع و احوال به نحوی دیگری دلالت نماید".

در نظام حقوقی ترکیه در صورت بیان اراده متقابل طرفین در مجلس واحد، قابل مکلف است قبولی خود را فوراً بیان نماید (Gömüş, 2019: 285). معادل کلمه (Derhal) "در حال" در زبان ترکی "فوراً" در فارسی است؛ اما باید توجه داشت که عبارت "فوراً" دارای مفهوم عرفی بوده و می‌توان آن را به مفهوم "الی ختم شدن مجلس" قبول نمود. قانون تعهدات ترکیه در فقره اول ماده ۴ خود باین متفاوت اصل فوریت قبولی را در عقود بین حاضران مطرح نموده است. بیان که در آن نحوه ای آزادی موجب از الزامیت ایجابش و سقوط الزامیت ایجاب تصریح شده است. به این معنی که؛ اگر در بیان ایجاب شرط و یا زمان معین (نظیری اینکه پنج روز، یک هفته) تعیین نشده باشد (Kayihan, 2018: 100) و قبول کننده فوراً اقدام به بیان قبولی نماید، وصف الزامی بودن ایجاب ساقط شده و موجب مکلف به حفظ آن می‌باشد (Kocayusufpaşaoğlu, 2017: 197). این فقره چنین صراحت دارد "در صورت که ایجاب بین حاضران صورت گیرد و برای قبولی زمان تعیین نشده باشد و قبولی فوراً صورت نگیرد، الزامیت ایجاب نسبت به موجب از بین می‌رود".

در نظام حقوقی افغانستان نیز در حالت که ایجاب بین حاضران صورت گیرد قبولی الی ختم مجلس باید صورت گیرد و در این مدت موجب نسبت به ایجاب خود ملزم است (باجلان؛ شرعی، ۲۰۱۹: ۸). قانون مدنی افغانستان در بخش اول ماده ۵۱۷ خود در زمینه چنین صراحت دارد "عاقدين بعد از ایجاب تا ختم مجلس عقد به قبول یا رد آن اختیار دارند...". برخلاف کنوانسیون و قانون تعهدات ترکیه، قانون مدنی افغانستان اصطلاح "فوراً" یا معادل آن را در موارد که ایجاب بین حاضران واقع شود برای قبولی مطرح نساخته است؛ اما از کلمه "تا ختم مجلس" می‌توان فوری بودن (با مفهوم عرفی کلمه) را دریافت. از طرفی هم ختم مجلس را نمی‌توان به مفهوم محدود در نظر گرفت و آن را صرفاً شامل متفرق شدن طرفین عقد از مجلس دانست. بلکه قلمرو آنرا باید وسیع دانسته و شامل هر گفتار و یا افعال طرفین بدانیم که نشان‌دهنده خاتمه یافتن موضوع بحث ایجاب و قبول می‌باشد. می‌تواند ختم واقعی مجلس باشد و یا تغییر موضوع مورد بحث مجلس از بحث‌های مربوط به ایجاب و قبول و یا هم موارد نظیر آن.



۲) ایجاب بین غایبین

ایجاب بین غایبین می‌تواند به دو شکل مدت‌دار یا بدون مدت صورت گیرد.

الف) ایجاب مدت‌دار

ایجاب که در آن موجب برای حفظ ایجاب خود مدت‌زمان را تعیین نموده باشد ایجاب مدت‌دار است. بر اساس فقره اول ماده ۱۴ کنوانسیون موجب می‌تواند برای ختم ایجاب خود مدت‌زمان را ذکر نماید (رفیعی مقدم، ۱۳۷۸: ۱۹). لذا در صورت تعیین مدت‌زمان التزام، موجب در آن مدت به حفظ ایجاب خود ملزم است (اصغری آقمشهدی؛ کاویار، ۱۳۹۵: ۲۳). زمان می‌تواند تقویم مشخص نظیر اینکه ۱۸ ماه حمل (فروردین) ساعت ۱۰ به وقت شهر کابل باشد یا می‌تواند منوط به واقعه معین صورت گیرد. مانندی اینکه "تا زمان رسیدن اموال از شهر کابل به شهر بامیان".

در نظام حقوقی ترکیه نیز موجب می‌تواند برای ایجاب خود زمان معین را تعیین نماید (Gömüş, 2019: 286) در چنین حالتی موجب الی ختم زمان معینه به حفظ ایجاب خود ملزم است (Kocayusufpaşaoğlu, 2017: 202). لذا بر اساس ماده ۳ قانون تعهدات ترکیه، اگر خبر قبولی الی ختم مدت‌زمان تعیین شده به موجب نرسد، از آن زمان به بعد موجب نسبت به حفظ ایجاب خود ملزم نیست (Antalya, 2018: 256).

در نظام حقوقی افغانستان نیز بر اساس فقره اول ماده ۵۱۶ قانون مدنی موجب در بیان اراده خود مدت‌زمان ختم آن را تعیین کرده می‌تواند و موجب الی ختم آن مدت مکلف به حفظ ایجاب خود می‌باشد. این فقره چنین صراحت دارد "هرگاه برای قبول میعاد تعیین شده باشد، ایجاب‌کننده نمی‌تواند تا ختم میعاد معینه از ایجاب خود منصرف گردد".

ب) ایجاب بدون مدت

در حالتی که موجب برای حفظ ایجاب خود مدت‌زمانی را تعیین نکرده باشد بحث از ایجاب بدون مدت بامیان می‌آید (Ener, 2013: 70). کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در فقره دوم ماده ۱۸ خود برای ایجاب بدون مدت بحث زمان "متعارف" را مطرح نموده است. آنچه مسلم است در تعیین مدت متعارف باید به سرعت وسایل بکار گرفته شده در رساندن ایجاب و قبول به مخاطب و شرایط و وضعیت آن باید توجه شود. در نتیجه، تعیین زمان متعارف در هر ایجاب نظر به مکان، موضوع ایجاب و وسایل بکار گرفته شده آن متفاوت خواهد بود (Akhmetov, ۲۰۱۴: ۳۶).



در نظام حقوقی ترکیه نیز مانند کنوانسیون، در صورت که ایجاب بدون مدت مطرح شود، موجب مکلف به حفظ ایجاب خود در مدت زمان "معقول" می‌باشد (Antalya, 2018: 258). حقوق‌دانان ترک معتقدند که در تعیین مدت زمان معقول، در ابتدا باید مدت زمان رسیدن ایجاب به مخاطب را که با توجه به وسایل بکار گرفته شده متفاوت است در نظر گرفت (Esener; Gündoğdu, ۲۰۱۷: ۵۲) سپس باید مدت زمان مناسب برای تفکر و تصمیم‌گیری به مخاطب داده شود (Kocayusufpaşaoğlu, 2017: 198) و در اخیر هم مدت زمان رسیدن قبول به موجب را باید حساب نمود. لذا می‌توان اجتماع آن‌ها را به عنوان مدت معقول پذیرفته است (Kayihan, 2018: 101). ماده ۵ قانون تعهدات ترکیه در زمینه چنین صراحت دارد "ایجاب که برای شخص غائب صورت گرفته و در آن برای قبول مدت زمان تعیین نشده باشد، ایجاب‌کننده مکلف به حفظ ایجاب خود الی رسیدن جواب قبولی که در زمان مناسب و طبق اصول ارسال شده است، می‌باشد."

بر اساس فقره دوم ماده ۵۱۶ قانون مدنی افغانستان موجب می‌تواند ایجاب خود را بدون ذکر مدت ختم الزام مطرح نماید. در چنین حالتی موجب مکلف به حفظ ایجاب خود در مدت که از قراین ظاهری و یا طبیعت معامله معلوم می‌شود، می‌باشد. این فقره صراحت دارد که "در صورت عدم تصریح میعاد، قبول احیاناً از قراین ظاهری و یا طبیعت معامله معلوم شده می‌تواند". برخلاف کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و قانون تعهدات ترکیه که صرفاً مدت زمان "معقول" را برای حفظ ایجاب در ایجاب‌های بدون مدت ذکر کرده است، در قانون مدنی افغانستان طبیعت معامله نیز می‌تواند در تعیین مدت زمان الزام ایجاب نقش تعیین‌کننده داشته و معیار قرار گیرد. اصطلاح "قراین ظاهری معامله" که در متن فقره فوق تذکر رفته است را با تسامح می‌توان به عنوان "زمان معقول" پذیرفت. آنچه که باعث می‌شود نویسنده بحث تسامح را در پذیرش اصطلاح فوق مطرح نماید، بکار رفتن کلمه "معامله" در اصطلاح فوق است. تفاوت است بین "قراین ظاهری معامله" با "قراین ظاهری ایجاب" و لذا ظاهراً در اینجا قراین ظاهری "ایجاب" مطرح است نه معامله و چون قراین ظاهری ایجاب در استفاده از نوع وسایل ارسال متفاوت است، در نتیجه همان تعیین مدت زمان معقول و عرفی الزام ایجاب بر اساس نوع وسایل بکار رفته شده در ارسال ایجاب و قبولی است. لذا موجب با توجه به نوع وسیله بکار گرفته شده در ارسال ایجاب و قبول، مکلف به حفظ ایجاب خود در مدت زمان معقول و عرفی بوده و در آن مدت زمان از ایجاب خود انصراف داده نمی‌تواند (باجلان؛ شراعی، ۲۰۱۹: ۶). اما اینکه چرا در قانون مدنی افغانستان در کنار مدت زمان معقول و عرفی، ماهیت و طبیعت معامله نیز به عنوان معیار برای تعیین مدت زمان الزام ایجاب در ایجاب‌های بدن مدت مطرح شده است و در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و



قانون تعهدات ترکیه مطرح نیست را باید در تفاوت دیدگاه هردو طرف نسبت به نهاد حقوقی ایجاب و امکان رجوع از آن دانست؛ زیرا چنانچه که خواهد آمد، نهاد حقوقی ایجاب در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا اصولاً و در نظام حقوقی ترکیه در بسیار موارد به‌عنوان نهاد حقوقی مستقل از موجب مطرح نشده است لذا ایجاب‌کننده در بسیار از موارد صلاحیت رجوع از ایجاب و منصرف شدن از پیشنهاد عقد قبل از وقوع عقد را دارا می‌باشد. در نتیجه وجود ماهیت و طبیعت معامله به‌عنوان معیار صلاحیت دهنده انصراف از ایجاب امری غیر ضروری پنداشته شده و لزوم به تصریح نمی‌باشد؛ اما در نظام حقوقی افغانستان ایجاب نهاد حقوقی مستقل از موجب پذیرفته شده است و لذا اصولاً ایجاب را قابل انصراف نمی‌داند مگر در حالات استثنای. در نتیجه ماهیت و طبیعت معامله را به‌عنوان یکی از استثنای صلاحیت دهنده انصراف از ایجاب پذیرفته است. از آنجای که در بعضی از عقود، طبیعت معامله صلاحیت برهم زدن عقد را بااراده یک‌جانبه برای طرفین عقد می‌دهد، به‌طریق اولی صلاحیت انصراف از ایجاب که قبل از وقوع عقد مطرح است را می‌دهد. لذا در قانون مدنی افغانستان یکی از معیارهای تعیین مدت‌زمان الزام موجب به حفظ ایجاب را ماهیت و طبیعت عقد دانسته است.

با توجه به مطالب فوق، اینکه موجب الی ختم زمان الزام ایجاب مکلف به حفظ آن است را نباید به مفهوم غیرقابل رجوع بودن ایجاب دانست؛ اما با توجه به تفاوت دیدگاه نسبت به نهاد حقوقی ایجاب در نظام حقوقی افغانستان از یک طرف و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و نظام حقوقی ترکیه از طرف دیگر، ایجاب نهاد حقوقی قابل رجوع می‌باشد. در ذیل به بررسی هر یک پرداخته می‌شود.

۵- رجوع از ایجاب

موجب از ایجاب خود باین بیان اراده مخالف آن می‌تواند رجوع نماید (طالب احمدی، ۱۳۹۵: ۱۳). نهاد حقوقی رجوع از ایجاب که باین بیان اراده یک‌طرفه موجب صورت می‌گیرد، در تمام نظام‌های حقوقی پذیرفته شده است (اسماعیلی، ۱۳۷۷: ۹). فاصله زمانی بین بیان اراده موجب الی وقوع عقد را می‌تواند به سه مرحله تقسیم نمود. مرحله اول، مدت‌زمان بعد از بیان اراده و قبل از رسیدن به قابل است. مرحله دوم را می‌تواند مدت‌زمان مربوطه به بعد از رسیدن ایجاب به مخاطب الی قبل از ارسال قبولی مخاطب دانست. مرحله سوم هم از ارسال قبولی الی زمان وقوع عقد می‌باشد (دارائی، ۱۳۹۳: ۱۱). با توجه به این مراحل رجوع از ایجاب در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و هردو نظام حقوقی در هر مرحله متفاوت است.



کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در مورد رجوع از ایجاب (زوال اثر ایجاب، از میان برداشتن ایجاب) دو مرحله را پیش‌بینی و در نتیجه اصطلاحات متفاوت (Akhmetov, ۲۰۱۴: ۵۳) را برای هر یک از مراحل بیان نموده است (Annaseidov, ۲۰۱۸: ۱۰). در ماده ۱۵ کنوانسیون از اصطلاح (withdrawal) و در ماده ۱۶ از اصطلاح (revocation) کار گرفته شده است (طالب احمدی، ۱۳۹۵: ۲۰). در فارسی می‌توان از آن‌ها با اصطلاحات چون "برگشت یا انصراف از ایجاب" و "ابطال ایجاب" یاد کرد (اسماعیلی، ۱۳۷۷: ۹).

در نظام حقوقی ترکیه نیز مانند کنوانسیون برای رجوع از ایجاب دو مرحله متفاوت و در نتیجه برای هر یک اصطلاح متفاوت بکار رفته است (Esener; Gündoğdu, 2017: 49). معادل اصطلاح (withdrawal) کنوانسیون در قانون تعهدات ترکیه اصطلاح (geri alma) که به معنی "پس گرفتن" می‌باشد بکار رفته است. اصطلاح "پس گرفتن ایجاب" زمانی بکار برده می‌شود که بیان رجوع از ایجاب، قبل از ایجاب و با هم‌زمان با ایجاب به مخاطب برسد (Kayihan, 2018: 102). معادل اصطلاح (revocation) کنوانسیون نیز اصطلاح (dönme) که به معنی "ابطال، انصراف" از ایجاب است را بکار برده است. در مورد کاربرد این اصطلاح بین کنوانسیون و قانون تعهدات ترکیه اندکی تفاوت وجود دارد. بر اساس کنوانسیون هرگاه رجوع از ایجاب بعد از رسیدن ایجاب به مخاطب و قبل از فرستادن قبولی صورت گیرد، از این اصطلاح کار گرفته می‌شود در حالیکه بر اساس قانون تعهدات ترکیه حد اکثر قبل از آگاهی مخاطب از ایجاب است نه ارسال قبولی (Esener; Gündoğdu, 2017: 50). لذا در هر دو مرحله امکان رجوع از ایجاب وجود داشته (Kayihan, 2018: 102) و بر اساس ماده ۱۰ قانون تعهدات ترکیه چنین رجوع معتبر و داری اثر حقوقی است (Antalya, 2018: 264; Esener; Gündoğdu, 2017: 49). این ماده در زمینه چنین صراحت دارد "هرگاه بیان برگشت از ایجاب قبل از رسیدن ایجاب به مخاطب یا هم‌زمان با آن رسیده باشد و یا بعد از ایجاب اما قبل از آگاهی مخاطب از ایجاب برسد، به معنی عدم ایجاب محسوب می‌شود".

در نظام حقوقی افغانستان بدون اینکه مانند کنوانسیون و یا قانون تعهدات ترکیه برای ایجاب مراحل در نظر داشته باشد و در نتیجه با توجه به هر مرحله اصطلاحات متفاوت را بکار برد، صرف اصطلاح "رجوع" از ایجاب مطرح شده است. از آنجاییکه در این نظام حقوقی ایجاب به دودسته تقسیم می‌شود (کاویار و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۶) بحث رجوع از ایجاب نیز متفاوت از کنوانسیون و حقوق ترکیه است. در نظام حقوقی افغانستان می‌توان ایجاب را به ایجاب غیر ملزم (ایجاب بسیط) و ایجاب ملزم تصنیف بندی نمود. در ایجاب غیر ملزم که از انواع ایجاب بین حاضران می‌باشد، موجب اصولاً صلاحیت رجوع از ایجاب خود را الی قبولی طرف دارا می‌باشد (کاویار و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۵). قانون مدنی افغانستان در ۵۱۷ خود در این زمینه چنین



صراحت دارد "عاقدين بعد از ایجاب تا ختم مجلس عقد به قبول یا رد آن اختیار دارند. اگر ایجاب کننده بعد از صدور ایجاب و قبل از قبول طرف مقابل، از ایجاب رجوع نموده و یا چنان گفتار یا عملی از یکی از عاقدین صادر شود که دلالت بر انصراف از قبول نماید، چنین ایجاب باطل بوده و قبول بعد از آن نیز از اعتبار ساقط می‌گردد". در ایجاب ملزم یا ایجاب مدت‌دار موجب الی ختم مدت‌زمان ایجاب ملزم به حفظ ایجاب خود می‌باشد (کاویار و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۷). در این نوع از ایجاب به دلیل ملزم بود آن (دارائی، ۱۳۹۳: ۱۱) امکان رجوع در هر زمان مطرح شده نمی‌تواند (کاویار و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۷). قانون مدنی افغانستان در فقره اول ماده ۵۱۶ خود از غیرقابل رجوع بودن این نوع از ایجاب بحث نموده است اما استثنائاتی را هم پذیرفته است. بر اساس این فقره، ایجاب مدت‌دار غیرقابل رجوع می‌باشد. این فقره در زمینه چنین صراحت دارد "هرگاه برای قبول، میعاد تعیین شده باشد، ایجاب‌کننده نمی‌تواند تاختم میعاد معینه از ایجاب خود منصرف گردد". اما در ماده ۵۱۴ این قانون موارد ذیل را از جمله ای استثنائات این اصل پذیرفته است. یکم، اینکه موجب صراحتاً حق رجوع برای خود را بیان نموده باشد. دوم، اینکه قراین ظاهری مبیین قابل رجوع بودن ایجاب باشد و سوم، اینکه ماهیت عقد که برای انعقاد آن ایجاب مطرح شده است امکان رجوع را بدهد. در این حالت از آنجای که عقد جایز بوده و انحلال عقد با اراده یک طرف ممکن است، امکان رجوع از ایجاب به طرق اولی قابل طرح است.

با توجه به مطالب فوق، در نظام حقوقی افغانستان برای ایجاب ملزم مراحل متفاوت پیش‌بینی نشده و لذا همانندی نظام حقوقی ترکیه و کنوانسیون تفاوت در رجوع از ایجاب در مراحل مختلف وجود ندارد. برای بهتر فهمیده شدن موضوع، مراحل مختلف ایجاب و رجوع از آن را به‌طور جداگانه به بررسی می‌گیریم.

۱) انصراف از ایجاب

بر اساس کنوانسیون انصراف از ایجاب در حالت صورت می‌گیرد که اظهار اراده رجوع از ایجاب قبل و یا هم‌زمان با ایجاب به مخاطب برسد. این نوع از رجوع در کنوانسیون با اصطلاح (Withdrawal of Offer) که به معنی "انصراف" می‌شود (طالب احمدی، ۱۳۹۵: ۲۰) و در قانون تعهدات ترکیه با اصطلاح (geri alma) (Kayihan, 2018: 102) که به معنی "پس گرفتن" می‌شود، عمل است که با یک اراده محقق می‌گردد (دارائی، ۱۳۹۳: ۲۴). کنوانسیون در فقره دوم ماده ۱۵ خود در زمینه چنین صراحت دارد "ایجاب حتی در صورتیکه به نحو غیرقابل رجوع باشد، قابل انصراف است مشروط بر اینکه اعلام انصراف پیش از وصول ایجاب یا هم‌زمان با آن به اطلاع مخاطب ایجاب برسد". بر اساس این فقره برای اینکه ایجاب قابل



رجوع (پس گرفتن) باشد (Ener, 2013: 82)، باید یکی از حالات ذیل موجود گردد. حالت اول؛ بیان برگشت از ایجاب قبل از ایجاب به مخاطب برسد (اسماعیلی، ۱۳۷۷: ۱۲). حالت دوم؛ اظهار اراده برگشت از ایجاب هم‌زمان با ایجاب به مخاطب برسد. در هر دو حالت رجوع (برگشت) از ایجاب معتبر است (گلین مقدم عیسی، ۱۳۹۱: ۴). آنچه که در فقره دوم ماده ۱۵ کنوانسیون توجه را جلب می‌کند عبارت "حتی اگر ایجاب غیرقابل رجوع هم باشد" است. بر اساس این عبارت، اگر ایجاب غیرقابل رجوع هم باشد باز هم در حالت تعیین شده (نظیری مدت‌دار بودن ایجاب و غیره) قابل برگشت می‌باشد (Akhmetov, 2014: 55). قانون تعهدات ترکیه نیز به تبعیت از کنوانسیون در بخش اول ماده ۱۰ خود در مورد انصراف (پس گرفتن) ایجاب چنین صراحت دارد "اگر بیان اراده برگشت از ایجاب قبل و یا هم‌زمان با ایجاب به مخاطب برسد و ... ایجاب باطل می‌شود". بر اساس این بخش از ماده ۱۰ قانون تعهدات ترکیه، برای اینکه ایجاب قابل برگشت بوده باشد باید بیان انصراف از ایجاب قبل و یا حداکثر هم‌زمان با ایجاب به مخاطب برسد (Kocayusufpaşaoğlu, 2017: 208). در چنین حالتی است که برگشت از ایجاب معتبر خواهد بود. منظور از رسیدن بیان برگشت از ایجاب، رسیدن آن در محل تحت حاکمیت مخاطب است نه صرفاً به دست او. لذا آگاهی مخاطب از متن اظهار اراده امری لازمی در ایجاد اثر انصراف از ایجاب نیست (Kayhan, 2018: 102) مانندی اینکه مکتوب ایجاب هنوز به مخاطب نرسیده اما موجب ذریعه تلگراف و یا تلفن مخاطب را نسبت به انصراف از ایجاب خودش مطلع سازد، چنین انصراف معتبر خواهد بود (Kocayusufpaşaoğlu, 2017: 208).

در نظام حقوقی افغانستان در مورد "برگشت" از ایجاب (با مفهوم مندرج در کنوانسیون و قانون تعهدات ترکیه) حکمی صریحی وجود ندارد؛ اما با توسعه قلمرو ماده ۵۱۱ می‌توان در زمینه حکمی را به دست آورد. این ماده که در مورد ایجاد اثر حقوقی ایجاب می‌باشد چنین صراحت دارد "وقتی بر اظهار اراده آثار مرتب می‌گردد که طرف مقابل به آن علم حاصل نماید. ...". بر اساس این ماده می‌توان گفت، ایجاب تا زمانی که اثر حقوقی ایجاد نکرده است (به طرف مقابل نرسیده است) عمل حقوقی قابل رجوع بوده و انصراف یا پس گرفتن ایجاب مصداق بارز و کامل آن می‌باشد.

به‌طور کلی انصراف یا پس گرفتن ایجاب بر اساس کنوانسیون، قانون تعهدات ترکیه و قانون مدنی افغانستان الی رسیدن ایجاب به مخاطب (و بر اساس کنوانسیون و قانون تعهدات ترکیه حداکثر رسیدن انصراف از ایجاب هم‌زمان با ایجاب) مطرح شده می‌تواند. در مورد زمان ایجاد اثر حقوقی بیان انصراف یا پس گرفتن ایجاب، زمان رسیدن آن به مخاطب است نه آگاهی آن (ماده ۲۴ کنوانسیون) و اثر انصراف از



ایجاب، از میان برداشتن ایجاب است طوری که هیچ ایجاب وجود نداشته است (Ener, 2013: 84). اما فراهم کردن زمینه رسیدن انصراف به مخاطب از تعهدات و مکلفیت‌های ایجاب‌کننده است (Akhmetov, ۲۰۱۴:۵۶). در نتیجه ایجاب که از آن انصراف صورت گرفت است مورد قبول قرار گرفته و سبب انعقاد عقد شده نمی‌تواند.

۲) ابطال ایجاب

هرگاه بیان یا اظهار اراده برگشت از ایجاب بعد از ایجاب و قبل از ارسال قبولی مخاطب به مخاطب برسد بر اساس کنوانسیون بحث ابطال ایجاب مطرح می‌شود (طالب احمدی، ۱۳۹۵: ۱۵). رجوع از ایجاب در این حالت که در کنوانسیون با اصطلاح (Revocation of Offer) که به معنی "ابطال" می‌شود (طالب احمدی، ۱۳۹۵: ۲۰) و در قانون تعهدات ترکیه با اصطلاح (varzgeçme) (Kayıhan, 2018: 102) که به معنی "پس گرفتن" می‌شود، بکار رفته است نیز عمل یک جانبه است. کنوانسیون در فقره اول ماده ۱۶ در زمینه چنین صراحت دارد "مادام که قرارداد منعقد نشده است ایجاب قابل رجوع می‌باشد، به شرطی که رجوع بیش از آنکه مخاطب ایجاب قبولی خود را ارسال دارد، به وی اصل گردد". اما در فقره دوم این ماده خود برای رجوع از ایجاب شرط غیرقابل رجوع نبودن ایجاب را مطرح نموده است (رفیعی مقدم، ۱۳۷۸: ۱۹). بر اساس این فقره در دو حالت امکان رجوع از ایجاب مطرح شده نمی‌تواند (اصغری آقمشهدی؛ کاویار، ۱۳۹۵: ۲۳)؛ زیرا ایجاب غیرقابل رجوع می‌باشد. این فقره چنین صراحت دارد "مع هذا در موارد ذیل نمی‌توان از ایجاب رجوع کرد:

الف) در صورتیکه ایجاب به واسطه قید زمان معین جهت قبول آن یا به علت دیگر حکایت از این داشته باشد که غیر قابل رجوع است؛ یا

ب) هرگاه تکیه مخاطب بر ایجاب به عنوان یک ایجاب غیر قابل رجوع، امری معقول بوده و بر همان اساس عمل کرده باشد". با توجه به متن فقره، برای اینکه ایجاب در این مرحله قابل رجوع باشد باید بیان قبولی هنوز ارسال نشده باشد (رفیعی مقدم، ۱۳۷۸: ۱۸) و ایجاب هم از جمله ایجاب‌های غیرقابل رجوع نباشد (اسماعیلی، ۱۳۷۷: ۱۳؛ گلین مقدم عیسی، ۱۳۹۱: ۴). غیرقابل رجوع نبودن ایجاب می‌تواند یکی از دلایل تفکیک و بکار بردن دو اصطلاح متفاوت "انصراف از ایجاب" و "ابطال ایجاب" باشد. چنانچه گذشت، در حالت انصراف از ایجاب، حتی اگر ایجاب غیرقابل رجوع هم باشد باز هم در این مرحله قابل رجوع (انصراف) است. کنوانسیون برای غیرقابل رجوع بودن ایجاب دو معیار پیش‌بینی نموده است (Akhmetov, ۲۰۱۴:۵۶).



(۵۸: ۲۰۱۴) تعیین زمان برای ایجاب و اعتماد مخاطب به غیرقابل رجوع بودن ایجاب (رفیعی مقدم، ۱۳۷۸: ۲۰ Ener, 2013: 88) که مبتنی بر اصل (göven) یا اعتبار اراده ظاهری در انعقاد عقد است، می‌باشد (Akhmetov, ۲۰۱۴: ۵۸). در نتیجه رجوع از ایجاب (ابطال) زمانی مطرح می‌شود که برای ایجاب اثر حقوقی ایجاد شده (Ener, 2013: 85) (ایجاب به مخاطب رسیده) و مخاطب هنوز اراده قبولی خود را به موجب ارسال نکرده باشد طالب احمدی، ۱۳۹۵: ۱۶). اگر قبولی ارسال شده باشد موجب به دلیل اینکه حق رجوع (ابطال) ایجاب را از دست داده است، از ایجاب رجوع نمی‌تواند (Annaseidov, ۲۰۱۸: ۱۲). در چنین حالت است که بر اساس فقره دوم ماده ۱۸ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا با رسیدن قبولی به محل تحت حاکمیت موجب عقد منعقد شده تلقی می‌شود (اصغری آق‌مشهدی؛ کاویار، ۱۳۹۵: ۲۳)

قانون تعهدات ترکیه به تبعیت از کنوانسیون در ماده ۱۰ خود در زمینه رجوع از ایجاب چنین صراحت دارد "هرگاه بیان برگشت از ایجاب قبل از رسیدن ایجاب به مخاطب یا هم‌زمان با آن رسیده باشد و یا بعد از ایجاب اما قبل از آگاهی مخاطب از ایجاب برسد، به معنی عدم ایجاب محسوب می‌شود". بر اساس بخش اخیر این ماده، رجوع از ایجاب بعد از اینکه ایجاب به مخاطب رسیده باشد زمانی معتبر است که مخاطب قبل از ایجاب از رجوع (ابطال) آن آگاهی حاصل نماید. در چنین حالتی است که رجوع از ایجاب (ابطال) معتبر و دارای اثر از میان برداشتن ایجاب است (Kayihan, 2018: 102). ماندنی اینکه ایجاب که به وسیله مکتوب صورت گرفته است هنوز در صندوق بستی خانه مخاطب قرار دارد اما موجب ذریعه تلفن از رجوع (ابطال) ایجاب خود و بی‌اثر بود آن به مخاطب اطلاع‌رسانی نماید (Kocayusufpaşaoğlu, 2017: 208).

قانون مدنی افغانستان در مورد رجوع از ایجاب در مرحله که ایجاب دارای اثر حقوقی می‌باشد (به مخاطب رسیده باشد)، در ماده ۵۱۶ خود طی دو فقره چنین صراحت دارد "۱) هرگاه برای قبول میعاد تعیین شده باشد، ایجاب‌کننده نمی‌تواند تا ختم میعاد معینه از ایجاب خود منصرف گردد. ۲) در صورت عدم تصریح میعاد، قبول احیاناً از قراین ظاهری و یا طبیعت معامله معلوم شده می‌تواند". چنانچه ذکر گردید بر اساس این متن، در نظام حقوقی افغانستان ایجاب نهاد حقوقی غیرقابل رجوع است؛ اما این غیرقابل رجوع بودن مطلق نبوده بلکه در بعضی حالات امکان رجوع وجود دارد. لذا با توجه به ماده ۵۱۶ قانون مدنی افغانستان می‌توان به این نتیجه رسیده که؛ اصولاً ایجاب نهاد حقوقی غیرقابل رجوع می‌باشد مگر در حالات استثنائی مندرج در ماده ۵۱۴ این قانون. این ماده در زمینه استثنائات قابل رجوع بودن ایجاب چنین صراحت دارد "هر شخص به سبب ایجاب خود ملزم قرار می‌گیرد، مگر اینکه بعدم الزام خود تصریح نموده یا از قراین ظاهری و یا طبیعت معامله چنان معلوم گردد که در ایجاب قصد الزام وجود نداشته باشد".



نتیجه‌گیری:

با توجه به توضیحات فوق، در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و نظام حقوقی ترکیه ایجاب اصولاً عمل یک‌جانبه قابل رجوع است. موجب جز در موارد استثنای صلاحیت رجوع از ایجاب را دارا می‌باشد. کنوانسیون در ماده ۱۵ و ۱۶ خود رجوع از ایجاب را با دو اصطلاح متفاوت و در دو مرحله مختلف پیش‌بینی نموده است. ماده ۱۵ کنوانسیون با بکارگیری اصطلاح (withdrawal) بحث انصراف از ایجاب را و ماده ۱۶ نیز با بکارگیری اصطلاح (revocation) بحث ابطال ایجاب را مطرح و در حقیقت برای رجوع از هر مرحله ای ایجاب اصطلاح متفاوت را استفاده نموده است. بر اساس کنوانسیون، ایجاب چه در مرحله اول (قبل از ایجاد اثر) و چه در مرحله دوم (بعد از ایجاد اثر) اصولاً امری قابل رجوع می‌باشد. قانون تعهدات ترکیه نیز با تبعیت از کنوانسیون در ماده ۱۰ خود رجوع از ایجاب را در دو مرحله متفاوت و با دو اصطلاح متفاوت پیش‌بینی نموده است. اصطلاح (Geri alma) یا "پس گرفتن" ایجاب، زمانی مطرح می‌شود که رجوع یا بازگشت از ایجاب قبل از رسیدن ایجاب به مخاطب و یا هم‌زمان با آن صورت گیرد و اصطلاح (Vazgeçme) یا ابطال ایجاب، زمانی مطرح می‌شود که رجوع از ایجاب بعد از رسیدن ایجاب به مخاطب یا قبل از آگاهی وی صورت گرفته باشد. اگر دفت صورت گیرد، قانون تعهدات ترکیه در بخش زمان ابطال ایجاب برخلاف کنوانسیون که حداکثر الی ارسال قبول را پذیرفته است، حداکثر آگاهی مخاطب را قبول نموده است. هرچند بین کنوانسیون و قانون تعهدات ترکیه در مورد ابطال ایجاب اندکی تفاوت وجود دارد اما به‌طور کلی هم در کنوانسیون و هم در نظام حقوقی ترکیه، ایجاب اصولاً عملی یک‌طرفه قابل رجوع است. طبیعتاً هر اصل را بعضی استثنائات است که در مورد رجوع از ایجاب نیز استثنائاتی وجود دارد.

قانون مدنی افغانستان در مورد رجوع از ایجاب و قابل رجوع بودن آن دیدگاه متفاوت از کنوانسیون و قانون تعهدات دارد. بر اساس ماده ۵۱۶ قانون مدنی، ایجاب مدت دار از زمان ایجاد اثر حقوقی نهاد حقوقی غیرقابل رجوع می‌باشد؛ اما از محتوای ماده ۵۱۱ این قانون به‌طور استثنای در سه حالت قابل رجوع بودن ایجاب را می‌توان به دست آورد. با توجه به صراحت این ماده "هر شخص به سبب ایجاب خود ملزم قرار می‌گیرد، مگر اینکه بعدم الزام خود تصریح نموده یا زقراین ظاهری و یا طبیعت معامله چنان معلوم گردد که در ایجاب قصد الزام وجود نداشته باشد." جز در حالات استثنایی چون؛ تصریح به عدم التزام یا قابل رجوع بودن ایجاب، قراین ظاهری و طبیعت معامله که نشان‌دهنده قابل رجوع بودن ایجاب است؛ در نظام حقوقی افغانستان ایجاب عمل حقوقی یک‌طرفه غیرقابل رجوع است.



فهرست منابع:

الف) منابع فارسی:

- اسماعیلی، محسن (۱۳۷۷)، ایجاب و زوال آن از دیدگاه فقه و حقوق تطبیقی و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، علوم انسانی، شماره ۹.
- اصغری آقمشهدی، فخرالدین؛ کاویار، حسین (۱۳۹۵)، رجوع از ایجاب در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (۱۹۸۰ وین)، حقوقی بین‌المللی، شماره ۵۵.
- باجلان، فرزانه؛ شرعی، الهام (۱۳۹۸)، بررسی حقوقی ایجاب معلق، قانون یار، سال سوم - شماره ۱۰.
- دارائی، محمدهادی (۱۳۹۳)، ایجاب، منبع یک‌جانبه التزام، دیدگاه‌های حقوقی قضایی، شماره ۶۸.
- رفیعی مقدم، علی (۱۳۸۷)، بررسی تطبیقی عدول از ایجاب در حقوق ایران فرانسه و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، فصلنامه‌ی رهنمون، سال هفتم، شماره ۲۵ و ۲۶.
- طالب احمدی، حبیب (۱۳۹۵)، بازگشت از ایجاب در حقوق ایران و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، مطالعات حقوقی، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره هشتم، شماره ۴.
- کاویار، حسن؛ اصغری آقمشهدی، فخرالدین؛ ایزد فرد، علی‌اکبر (۱۳۹۶)، ماهیت ایجاب، آموزه‌های فقه مدنی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۱۵.
- گلین مقدم، عیسی، یمرلی، صالح (۱۳۹۱)، مسوولیت مدنی ناشی از رجوع ایجاب و توافق مقدماتی، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، دوره ۴، شماره ۷.

ب) منابع لاتین:

- Akhmetov, Zhasslan, (2014), **Milletlerarası mal satımına ilişkin sözleşmeler hakkında birleşmiş milletlerler antlaşması'na göre sözleşmenin kurulması**, Doktora Tezi. İstanbul: İstanbul üniversitesi sosyal bilimler enstitüsü.
- Annaseidov, Dovran, (2018), **CISG Uyarınca Sözleşmenin Kurulmasında İcap Ve Özellikle Kamuya Yöneltilen İcapların Hukuki Niteliği**, Public and Private International Law Bulletin, 38(2).
- Antalya, Osman. Gökhan, (2018), **Borçlar hukuku genel hükümleri**, C, birinci. İstanbul; legal yayıncılık A.Ş.
- Ener, Mustafa. Alper, (2013), **Uluslararası Mal Satımı Sözleşmeleri Hakkında Birleşmiş Milletler Antlaşmasına Göre Sözleşmenin Kurulması**, Yüksek lisans tezi. Ankara: Gazi Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü.



Esener, Turhan, Gündoğdu, Fatih,(2017), **Borçlar hukuku**, C, birinci. Istanbul; vedat kitapçılık.

Gömüş, Mustafa Alper,(2019), **Borçlar hukuku genel hükümleri**, 24. Basık. Ankara; yetkin basımevi.

Kayıhan, Şaban,(2018), **Borçlar hukuku genel hükümleri**, Basık altıncı. Ankara; seçkin yayınları.

Kocayusufpaşaoğlu, Necip,(2017), **Borçlar hukuku genel bölümü**, İstanbul; filiz kitabevi.

قوانین

قانون مدنی افغانستان.

قانون تعهدات ترکیه مصوب(۲۰۱۳).

کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا(۱۹۸۰).